

آموزه‌های خاص عهد عتیق در موضوع نبوت در مقایسه با قرآن

شیرین رجب‌زاده*

بی‌بی‌سادات رضی بهابادی**

چکیده

نبوت، «نوونا»^۱ از آموزه‌های اساسی قرآن و عهد عتیق است. اوصاف انبیا، مراتب آنان، وحی و حالات انبیا هنگام دریافت وحی، از جمله مباحث مشترک حوزه نبوت در این دو کتاب مقدس است. در عهد عتیق مباحثی از نبوت مطرح شده که در قرآن نیامده، و یا کمتر بدان پرداخته شده است. نبوت زنان، نبوت گروهی و نبوت دروغین از آموزه‌های خاص عهد عتیق است. انبیا زن که به مادر اسرائیل موسوم‌اند، همچون انبیا مرد به نبوت و پیشگویی می‌پرداختند. در قرآن کریم به پیامبری زنان، اشاره نشده است و تنها نام بیست و پنج نفر از پیامبران تصریح شده، که همگی از مردان هستند. در این تحقیق به مقایسه آموزه‌های عهد عتیق و قرآن درباره نبوت اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی

قرآن، عهد عتیق، نبوت، نبیه، نبوت گروهی، نبوت دروغین.

طرح مسئله

اسلام و یهودیت از ادیان ابراهیمی هستند که در برخی آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام مشترکند. فهم این وجوه به شناخت درست ادیان و رسیدن به حقیقت این ادیان آسمانی می‌انجامد. مطالعات متن‌شناختی در

* استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، گروه معارف اسلامی، رودهن، ایران. sh.rajabzade@yahoo.com

b.razi@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۷

۱. ۶۱۹

** دانشیار دانشگاه الزهراء.

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۳

این مورد اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از آموزه‌های اصلی اعتقادی اسلام و یهودیت نبوت است که در قرآن و عهد عتیق به صورت گسترده به آن پرداخته شده است. در کنار نقاط مشترک این دو کتاب مقدس در موضوع نبوت موارد اختلافی نیز وجود دارد. از وجوه اختلافی مواردی است که تنها در یکی از این دو کتاب آمده است و در کتاب دیگر بدان اشاره‌ای نشده است. از وجوه دیگر مسائلی است که در یک کتاب حائز اهمیت است و در کتاب دیگر به طور گذرا به آن اشاره شده است. در این مقاله ضمن اشاره اجمالی به مفهوم نبوت در قرآن و عهد عتیق و ذکر نمونه‌هایی از موارد اشتراک به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آموزه‌های خاص عهد عتیق در موضوع نبوت چیست؟ قرآن چگونه به این آموزه‌ها پرداخته است؟

در مورد پیشینه تحقیق گفتنی است درباره آموزه‌های خاص عهد عتیق در موضوع نبوت در مقایسه با قرآن، در کتب فارسی و انگلیسی کار تطبیقی صورت نگرفته است. در کتاب *بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی* نوشته محمود رامیار، به موضوعات نبیه، انبیا گروهی و نبوت دروغین و در کتاب *بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین* نوشته اعظم پرچم به موضوعات نبیه، نبوت دروغین به صورت مجمل، آن هم در خصوص ویژگی‌های عهد عتیق اشاره شده است. مقاله فاطمه عقیلی با عنوان «بررسی نبوت زنان در قرآن و عهدین» در *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم* در بهار ۱۳۸۹ شماره ۶ به چاپ رسیده که سبقه روایی آن قوی‌تر است و بحث عهد عتیق آن کامل نیست. در کتب انگلیسی در *دائرةالمعارف الیاده* به نبوت گروهی به طور مختصر و در *دائرةالمعارف استاندارد پایبل* به بحث نبوت دروغین و نبیه پرداخته شده است که بحث نبوت زنان در آن بسیار مختصر است.

مفهوم‌شناسی نبوت

نبوت مصدری است که یا از «نباء» به معنای خبر دادن از امری (ابن‌درید، ۱۳۴۵: ۳ / ۲۱۱) و یا از «نبو» به معنای ارتفاع و مقام رفیع مشتق شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۹۰) مقام نبوت به معنای اعتلاء و برتری شأن انسان از جهت روحانی و معنوی است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲ / ۱۶) نبوت حالتی است الهی و غیبی که نبی به مدد آن معارفی را درک می‌کند و تضادهای موجود در حیات بشر را مرتفع می‌گرداند. ادراک و تلقی از غیب در زبان قرآن، وحی نام دارد و آن حالتی که انسان از وحی می‌گیرد، نبوت خوانده می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۴۳ - ۱۴۲)

حقیقت نبوت بر پایه قاعده لطف استوار است. خداوند به علت لطفی که بر بندگان خود دارد، پیامبرانی را برای راهنمایی بشر می‌فرستد. هر انسانی به کمال تأکید دارد؛ چراکه انسان بی‌هوده خلق نشده است و برای رسیدن به هدفی خلق شده است، و عقل انسان به تنهایی برای تشخیص حسن و قبح اعمال کافی نیست. از این رو برای رسیدن به نهایت بلوغ خود، نیاز به وحی و تشریح دارد. از اینجا لزوم بعثت انبیا برای هدایت

مردم آشکار می‌شود. (سیحانی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۵۸) همچنین اساس ارسال رسل برپایه عدل الهی است. همچنین از نظر عقلی شناخت مصلحت و مفسده واجب است و به‌تنهایی شناخت آن امکان ندارد، از این رو خداوند انبیا را می‌فرستد. (ابن‌احمد، ۱۳۸۴: ۵۶۳ و ۵۶۵) اهداف ارسال رسولان عبارت است از: رهایی از سلطه طاغوت‌ها (زمر / ۱۷)، از بین بردن اختلافات (بقره / ۲۱۳)، احیای کرامت انسانی (آل‌عمران / ۱۳۹)، اتمام حجت بر مردم (نساء / ۱۶۵)، خروج از تاریکی‌ها (مائده / ۱۶) و تزکیه اخلاق. (جمعه / ۲) (حلی، ۱۳۸۲: ۱۵۶ - ۱۵۴؛ همچنین بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۵۱ - ۱۵۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۴۴ - ۲۳؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۲ / ۶۰ - ۲۳)

در زبان عبری معادلی که برای واژه نبوت وجود دارد: نووئا^۱ نییاش^۲، حازا^۳ هیئتبا^۴ (حیییم، ۱۳۶۰: ۱۴۶ و ۳۱۵) است. در انگلیسی معادل آن: prophecy & prophesy است، (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۱: ۴ / ۳۳۵۸؛ گواهی، ۱۳۷۴: ۶۳) به‌معنای پیشگویی آنچه قرار است محقق شود، (Webster, 1377: 923) قدرت الهی که به نبی داده شده و با این قدرت توانایی بازگو کردن وقایع آینده را دارد. (Hamlyn, 1971: 125; Hornby, 2003: 1016) در متون قدیمی‌تر عهد عتیق، نبوت به‌معنای برانگیختن، الهام گرفتن و انذار کردن آمده است، ولی در متون جدیدتر نبوت به‌معنای پیش‌بینی حوادث آینده از طریق الهامات و ابلاغ پیغامی الهی به جماعتی خاص است. (حامدی، ۱۳۸۴: ۱۸۷؛ رامیار، ۱۳۵۲: ۴) انبیا با آینده در ارتباط بودند و پیشگویی می‌کردند که به عمل پیشگویی آنان نبوت گفته می‌شود. (Heaton, 1973: 15 / 102)

نبوت گفتن آن چیزی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد و معمولاً آینده دور مدنظر است. (Ellwood, 1998: 280) نبوت تنها توان نگاه به آینده نیست، بلکه تفسیر و توضیح پیام‌های الهی است. (Wigoder, 2002: 623) بسیاری از این تفاسیر برای رسیدن به امور رمزآلود بیشتر و درجات معنوی است. (Ince, 2007: 217) خداوند با افراد مشخصی که برمی‌گزیند، ارتباط برقرار می‌کند و خواسته‌هایش از مردم را در قالب شریعت به آنان القا می‌کند، انبیا وظایف عبادی و اجتماعی مردم را بازگو می‌کنند. (Schade, 2006: 714) در عهد عتیق اساس نبوت بر این اندیشه استوار است که خداوند انسان‌ها را به حال خود رها نکرده، بلکه برای آنان راهنما فرستاده است. (Paul & Sperling, 2007: 16 / 567) خاصیت نبوت بر این اساس است که نفس نبی از صفایی برخوردار است که توانایی اطلاع از غیب را در حالت خواب و بیداری دارد و مورد خطاب از سوی خدا، بدون واسطه یا باواسطه (ملک) است. (ابن‌کمون، ۱۳۸۳: ۹۱) در تئوری کتاب مقدس، نبی در این انتخاب دخالتی ندارد. نبوت علم یا مهارت نیست که فراگرفته شود.

1. נְבוּאָה
2. נְבִיא
3. נְבִיָּה
4. הַנְּבִיאִים

نبی از سوی خداوند انتخاب می‌شود و باید پیام خداوند را به مردم برساند؛ چراکه تقدیر او این است که مسئولیت الهی را بپذیرد. نبی محرم اسرار الهی می‌شود، زمانی سخن می‌گوید که از سوی خداوند به او فرمان داده شود. کلام خداوند منشأ نبوت او است. نبی دانش خود را از خداوند می‌گیرد و یک فیلسوف نیست، بلکه یک واسطه است که کلام خداوند را به گوش مردم می‌رساند. او فرد معمولی است که شنیدن کلام الهی را تجربه کرده و باید وظیفه خطیر خود را در حفظ و نگهداری پیام به انجام رساند. (سفر تثبیه، باب ۵: ۵) (Paul & Sperling, 2007: 16 / 567)

در عهد عتیق هدف رسالت انبیا این است که زندگی قومی، اجتماعی و سیاسی را با توجه به فرمان‌های الهی شکل دهند. آنها حافظان دین و هدایت‌کنندگان مردم به سوی تقوای اصیل اسرائیلی هستند. با وارد کردن فرهنگ بیگانه و خارجی، رواج زرق و برق و آلودگی دین خدا با بت‌پرستی مقابله می‌کردند. (Wiener, 1948: 8 / 659) هدف واقعی پیامبران این بود که دین یهوه را به‌عنوان خدای ابدی، حمایت کنند و رهبری معنوی مردم را به‌دست گیرند. بنابراین عملکرد پیامبران انجام وظیفه‌ای در بالاترین سطح مذهبی و کار کردن برای متعالی‌ترین آرمان‌های تمدن بشری بود. (Konig, 1981: 10 / 387)

هدف آنان این بود که مشیت الهی را اعلام و شئون دینی را اصلاح نمایند، سنت‌های الهی را حفظ کنند، تعهدات مردم در برابر خداوند را یادآوری نمایند و ایمان را در بین قوم تقویت و آنان را به راه راست هدایت کنند. (سفر ۲ پادشاهان، باب ۱۷: ۱۳) (ایان، ۱۳۵۸: ۶۴) اگر قوم خدا از دستورات انبیا اطاعت کنند، به هدفی که خداوند از بعثت انبیا دارد، می‌رسند. (سفر لایوان، باب ۱۸: ۵ - ۴)

از اهداف اساسی برانگیختن انبیا، نجات قوم بنی‌اسرائیل است. خداوند تنها نجات‌دهنده‌ای است (سفر اشعیا، باب ۴۳: ۱۱) که قوم خود را از وضعیت نامطلوب رهایی می‌بخشد، به حکومتی مستقل می‌رساند و از شر دشمنانشان رهایی می‌بخشد. (زروانی، ۱۳۸۴: ۲۹)

از دیگر اهداف بعثت انبیا، رفع فاصله طبقاتی بود؛ چراکه از زمان حکومت سلیمان، فاصله طبقاتی بین افراد جامعه ایجاد شد. در این محیط آشفته سیاسی، انحطاط دینی و جنگ اقتصادی، انبیا به‌منظور اصلاح ظهور کردند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۹ - ۳۶۸)

با توجه به مفهوم‌شناسی نبوت در دو دین اسلام و یهود، به این حقیقت رهنمون می‌شویم که در اسلام، نبوت حالتی الهی و غیبی است که نبی با آن، معارفی را درک می‌کند که این ادراک وحی نام دارد و حالتی که فرد از وحی می‌گیرد، نبوت است. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۴۳ - ۱۴۲) در متون قدیمی‌تر عهد عتیق، نبوت به معنای برانگیختن و الهام کردن است (رامیار، ۱۳۵۲: ۴) که این معنا به مفهوم نبوت در اسلام نزدیک‌تر است، ولی در متون جدیدتر عهد عتیق نبوت به‌معنای پیش‌بینی حوادث در آینده دور است. (Ellwood, 1998: 280) نبی به‌علت صفای باطن، قادر به اطلاع از غیب در حالت خواب یا بیداری است.

(ابن کمونه، ۱۳۸۳: ۹۱) از امور اساسی ماهیت وحی در هر دو دین، وحی است که به دو صورت مستقیم (سفر خروج، باب ۳: ۵ - ۴؛ شوری / ۵۱) و با واسطه امکان‌پذیر است که از جمله وسائط، خواب (سفر اعداد، باب ۱۲: ۶؛ شوری / ۵۱) و فرشته وحی است. (سفر دانیال، باب ۹: ۲۱؛ شوری / ۵۱)

از دیگر امور اساسی بحث عصمت است که در اسلام لطفی خفی است که خداوند آن را به بنده مکلفش عطا می‌کند، به طوری که در او انگیزه‌ای برای ترک طاعت و ارتکاب معصیت وجود ندارد، در حالی که قادر به انجام این کار می‌باشد و آن به این جهت است که اگر این امر صورت نگیرد اطمینانی به قول آن شخص حاصل نمی‌شود، در نتیجه فایده بعثت منتفی می‌گردد؛ (سیوری، ۱۳۸۶: ۳۷) ولی در اعتقادات یهودی، عصمت عملی انبیا به مفهومی که مسلمانان معتقداند، وجود ندارد، به طوری که در آن دروغ، خدعه و حتی زنا به انبیا الهی نسبت داده شده است: شرب خمر به نوح، (سفر پیدایش، باب ۹: ۲۱ - ۲۰) عمل زنا به لوط (سفر پیدایش، باب ۱۹: ۳۳) و تنها در مقام تلقی وحی معصوم هستند، (سفر تثنیه، باب ۱۸: ۱۸) نبی قادر به عدم ابلاغ پیام به مردم نیست. (سفر عاموس، باب ۳: ۸)

نمونه‌ای از مشترکات قرآن و عهد عتیق

در قرآن کریم و عهد عتیق در مورد نبوت موضوعات مشترکی وجود دارد، از جمله:

الف) اوصاف انبیا

در هر دو کتاب، علم و عصمت از اوصاف اصلی نبی است. پیامبران یهود بعد از دریافت علم از جانب خداوند، وقایع مهم را انتقال می‌دادند و آن را پیامد عملکرد مردم می‌دانستند. (Wigoder, 2002: 623) در قرآن کریم، نبی الهی به طور مستقل، صاحب علم نیست و از سوی خداوند به او افاضه می‌شود. (جن / ۲۷ - ۲۶) انبیا یهود در مقام دریافت وحی معصوم هستند، از کذب و خطا منزه‌اند (سفر تثنیه، باب ۱۸: ۱۸) و جرئت ندارند پیام خداوند را به مردم ابلاغ نکنند (سفر عاموس، باب ۳: ۸) حال اگر نبی در ابلاغ وحی کوتاهی کند و آن را تغییر دهد، مجازات خواهد شد. (سفر حزقیال، باب ۳: ۱۸) در تعالیم اسلام پیامبران از هرگونه گناه چه کبیره و چه صغیره معصوم‌اند، چون اگر احتمال گناه در آنان رود، به سخنانشان نمی‌توان اعتماد کرد. (نساء / ۶۴؛ یونس / ۳۵)

در عهد عتیق انبیا اوصاف پسندیده‌ای دارند که عبارت است از: اخلاق والا، انصاف و فروتنی (سفر میکاه، باب ۶: ۸)، سرشار از مهربانی (سفر خروج، باب ۳۲: ۱۳ - ۱۱)، زندگی در منازل عادی (سفر سموئیل، باب ۷: ۱۷؛ سفر حزقیال، باب ۱: ۸) ارتزاق از غذای ساده (سفر پادشاهان، باب ۴: ۱۰ - ۸)، گذران زندگی از راه بخشش و صدقه. (سفر پادشاهان، باب ۴: ۴۲) در قرآن اوصاف پیامبر عبارت است از: ایمان والا (مریم / ۵۸؛ سجده / ۱۶)، اخلاق زینده (مریم / ۴۱)، متواضع و دلسوز (هود / ۳۶)، برخوردار از استقامت ویژه در برابر مشکلات (قلم / ۹ - ۸)، زندگی ساده و انفاق تمام اموال خود در راه خدا. (سجده / ۱۶)

ب) مراتب انبیا

در قرآن و عهد عتیق، انبیا در یک سطح نیستند و درجات مختلفی دارند. در عهد عتیق، انبیا به دو دسته متقدم و متأخر تقسیم می‌شوند. از پیامبران متقدم همچون سموئیل، ایلیا و الیشع با عناوینی چون رائی، مرد خدا، بیننده خواب و رویا و نبی (البته عنوان نبی برای انبیا متأخر نیز کاربرد داشته و عنوانی عمومی است) یاد می‌شده است. آنان آداب و رسوم زمان خود را رد نمی‌کردند و هواخواه قومیت بودند، به‌طور گروهی زندگی می‌کردند، دچار خلسه دسته‌جمعی می‌شدند، از موسیقی برای ایجاد هرچه بیشتر این احساس استفاده می‌کردند. به‌عنوان عضو یا رهبر گروهی از انبیا بودند و برای خود شاگردانی داشتند. (Paul & Sperling, 2007: 16 / 572-571)

در مقابل، از انبیا متأخر همچون اشعیا و ارمیا تنها با عنوان نبی یاد شده است. آنان رسوم را رد می‌کردند، خواهان یکتاپرستی بودند و از مفهوم جهان‌گرایی استفاده می‌کردند، همیشه تنها دیده می‌شدند و عضو گروه خاصی نبودند. (Ibid)

در قرآن کریم انبیا به دو دسته اولوالعزم و غیراولوالعزم تقسیم می‌شوند. انبیا اولوالعزم سه وصف مهم دارند که انبیا غیراولوالعزم فاقد این اوصاف‌اند: فقط آنان صاحب کتاب و شریعت‌اند و سایر پیامبران طبق کتاب و شریعت آنان حکم می‌کنند. (مریم / ۴۴) تنها پیامبران اولوالعزم به خداوند میثاق غلیظ سپردند و تعهد الهی را هرگز فراموش نکردند. (احزاب / ۷) انبیا اولوالعزم صبر و استقامت بی‌مثال داشتند. (احقاف / ۳۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۴۷۴ - ۴۷۲؛ همچنین بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۱: ۱۸ / ۲۲۲)

ج) وحی بر انبیا

راه ابلاغ امور غیبی در هر دو کتاب قرآن و عهد عتیق وحی است که در دو دسته بی‌واسطه و باواسطه تقسیم می‌شود. در طریقه بی‌واسطه، خداوند خود به‌طور مستقیم وحی را به نبی می‌رساند. (سفر خروج، باب ۳: ۵ - ۴؛ شوری / ۵۱) در عهد عتیق هنگام القای این نوع از وحی، صدای رعد و کرنا به گوش می‌رسید و فضا پر از دود می‌شد، (سفر خروج، باب ۱۹: ۱۹ - ۱۵) اما در طریقه باواسطه از طریق خواب (سفر پیدایش، باب ۲۸: ۱۲؛ سفر اعداد، باب ۱۲: ۶؛ شوری / ۵۱) و یا فرشته وحی (دانیال، ۸: ۱۷ - ۱۶؛ ۹: ۲۱؛ شوری / ۵۱) پیام الهی به پیامبر می‌رسد.

د) حالات نبی هنگام دریافت وحی

در هر دو کتاب، نبی هنگام دریافت وحی، دچار حالاتی خاص می‌شود که نشان‌دهنده ثقل وحی است. در عهد عتیق اشاره شده است که وجود پیامبر پر از نگرانی و ترس می‌شد و دردی که تحمل می‌کرد، طاقت‌فرسا بود، به‌طوری که مدهوش شده و از حال می‌رفت. (سفر اشعیا، باب ۲۱: ۴ - ۳؛ سفر ارمیا، ۴: ۱۹) (Paul & Sperling, 2007: 16 / 576) در هنگام دریافت وحی، نبی دچار هیجانانگیزی شده و گاهی لباس

خود را پاره می‌کرد. (سفر سموئیل، ۱۹: ۲۴) (Wilson, 1993: 12 / 17) در مورد حالاتی که پیامبر ﷺ در زمان دریافت وحی داشته، نقل شده است که گاه صدایی همانند صدای جرس می‌شنید و بعد از مدتی قطع می‌شد و آنچه را جبرائیل می‌گفت فرا می‌گرفت، گاه جبرائیل را به صورت مردی می‌دید که با او سخن می‌گفت. حالت اول بر پیامبر ﷺ سخت طاقت فرسا بود، (مزمّل / ۵) ولی وحی به صورت دوم، کمی سبک‌تر بود. به‌رحال در تمام فصول سال، به‌هنگام دریافت وحی از پیشانی مبارکش عرق فرو می‌ریخت. (سیوطی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۲۹ - ۱۲۸)

آموزه‌های خاص عهد عتیق

در سنت دینی یهود در موضوع نبوت آموزه‌هایی ویژه وجود دارد که نبوت زنان و نبوت گروهی مختص عهد عتیق است و نبوت دروغین در عهد عتیق به‌شکلی متفاوت و گسترده‌تر از قرآن مطرح شده است.

الف) نبوت زنان

پیامبری در یهود منحصر به مردان نیست، زنان نیز می‌توانستند اوامر الهی را به مردم ابلاغ کنند، پس واسطه خبر در عهد عتیق تنها نبی نیست، بلکه گاهی نبیه هم این وظیفه را به‌عهده می‌گیرد. در زبان عبری معادل نبیه، نبی^۱ است (حییم، ۱۳۶۰: ۳۱۵) و در انگلیسی معادل آن prophetess است. او زنی است که از طرف خدا به‌منظور تعلیم مردم و رساندن پیام به آنان فرستاده شده و از وقایع آینده خبر می‌دهد. (Webster, 1377: 923; Hamlyn, 1971: 923; Hornby, 2003: 1016) همچنین به همسر پیامبر نبیه گفته می‌شد، (مطران، ۱۹۹۹: ۷۹۸؛ هاکس، ۱۳۷۷: ۸۷۳) به عنوان مثال به همسر اشعیا نبیه اطلاق شده است. (سفر اشعیا، باب ۸: ۳)

همان‌طور که انبیای مرد «پدر» نامیده می‌شدند، پیامبران زن نیز «مادر اسرائیل» خوانده شده‌اند. شمار آنان در عهد عتیق ۵ یا ۷ تن است: ساره همسر ابراهیم، مریم خواهر موسی و هارون، دَبوره، حنه یا حنا مادر سموئیل، خُده زن شائول، اِستر ملکه خشایارشا، ابی جایل همسر داود. (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۷۳) این نبیه‌ها به غیب‌گویی می‌پرداختند، سخنان و سرودهایشان حاکی از نبوت آنان است. همچون سخنان ابی جایل در زمان ملاقات داود که از آینده نسل او و اقتدارش خبر می‌دهد. (O.N.J., 1986: 3 / 1004) در عهد عتیق به نبیه بودن دَبوره (سفر داوران، باب ۴: ۴) و خُده (سفر ۲ پادشاهان، باب ۲۲: ۱۴) تصریح شده، ولی در مورد سایر آنان اشاره ضمنی شده است.

– ساره: ساره زوجه ابراهیم (پیدایش، ۱۱: ۲۹) و مادر اسحاق (پیدایش، ۳۱: ۳ - ۲) بود که مانند ابراهیم

۱. נְבִיאָה

صاحب مواعید بسیار شد و برکت یافت، (سفر پیدایش، باب ۱۷: ۱۶) همان طور که ابراهیم مردها را به خداپرستی دعوت می‌کرد، زن‌ها را ساره خداپرست می‌نمود. (رامیار، ۱۳۵۲: ۱۰۳)

- مریم: دختر عمران و خواهر موسی و هارون است (سفر ۱ تواریخ، باب ۶: ۳) که هنگام به آب انداختن موسی در کودکی همراه وی بود و به دختر فرعون پیشنهاد کرد، زنی شیرده برای این طفل می‌شناسد. (سفر خروج، باب ۲: ۱۰ - ۴) وقتی بنی‌اسرائیل از رود نیل گذشتند، او پیشاپیش زنان دف‌زنان و رقص‌کنان حرکت می‌کرد و آنان را به سرود و ستایش یهوه فراخواند. به هر صورت او در مقامی بود که یهوه، فرستادن او را در عرض موسی و هارون بر بنی‌اسرائیل منت نهاد، (سفر میکاه، باب ۶: ۴) و از جمله زنانی است که خداوند به وسیله او سخن گفته است، البته در رویا و خواب. (سفر اعداد، باب ۱۲: ۷ - ۲) (همان: ۱۰۴ - ۱۰۳) - دَبوره: او مادر اسرائیل نامیده شده است، (سفر داوران، باب ۵: ۷) و همسر لَفیدت بود که زیر نخل دَبوره می‌نشست و بر اسرائیل داوری می‌کرد. (داوران، ۴: ۵) وی نبیه و پیام‌آوری (سفر داوران، باب ۴: ۴) بود که در حکمت، تقوا و تدین معروف بود. (همان: ۱۰۴)

- حنه: او همسر القانه (سفر ۱ سموئیل، باب ۱: ۱) و مادر سموئیل نبی (سفر ۱ سموئیل، باب ۱: ۲۰) است. حنا سرود شکرانه‌ای را به‌هنگام ولادت فرزندش سرود که دلالت بر تقدس و عدالت خداوند دارد. (همان: ۱۰۵) - ابی‌جایل: او در ابتدا همسر نابال کرملی بود و بعد از فوت او، در اثر مداخله‌ای زیرکانه در ستیزه به نفع داود به همسری او درآمد. سخنانی به داود گفت که همه نوعی پیشگویی است و بر نبیه بودن او دلالت دارد، از جمله اینکه خداوند، داود و فرزندانش را به تخت پادشاهی خواهد نشاند و در تمام عمرش بدی به او نخواهد رسید و خداوند حافظ اوست. (سفر ۱ سموئیل، باب ۲۵: ۴ - ۴۳) (همان: ۱۰۵)

- حَلده: او همسر «شَلام» (آبسالوم) خیاط است (سفر ۲ پادشاهان، باب ۲۲: ۱۴)، نبیه مشهوری است که در مورد کتاب عهدی که در زمان یوشیا، پادشاه اورشلیم، در معبد یافت شد، مورد مشورت پادشاه، کاهنان و کاتبان قرار گرفت. در جریان که پادشاه، دستور تعمیر هیکل را داده بود، سفر شریعت که سال‌ها پیش گم‌شده بود، پیدا شد و پادشاه بعد از خواندن آن بسیار اندوهناک گردید، زیرا فهمید که قوم چه‌اندازه از شریعت خدا تجاوز کرده‌اند، لذا عده‌ای را برگزید و آنان را نزد حله نبیه فرستاد و او پیام خدا را به پادشاه رساند. (سفر ۲ پادشاهان، باب ۲۲: ۲۰ - ۱۴) (همان: ۱۰۵)

- اِستر: او دختر ابی جایل است و چون پدرش درگذشت، پسرعمویش مُردخای، او را سرپرستی کرد. از یهودیانی بود که ترک وطن کرده و در شوش زندگی می‌کرد و وقتی خشایارشا از وستی جدا شد، او را به همسری برگزید. (سفر اِستر، باب ۲: ۱۸ - ۱) وی در نجات یهودیان نقش اساسی داشت. در اثر این ماجرا، هر ساله روزهای چهاردهم و پانزدهم ماه آذار، به مناسبت یاری اِستر به یهودیان، جشنی به‌نام پوریم برپا می‌گردد. (بنگرید به: سفر اِستر: ابواب ۴ - ۳، ۷ و ۹) (همان: ۱۰۶)

قرآن: در قرآن به پیامبری زنان اشاره نشده است. قرآن به نام بیست و پنج پیامبر تصریح می‌کند که همگی از مردان هستند. برخی از قرآن، انحصار نبوت به مردان را استفاده کرده‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ؛ و پیش از تو نفرستادیم، جز مردانی از اهل آبادی‌ها را، که به‌سوی آنان وحی می‌کردیم.» (یوسف / ۱۰۹؛ نحل / ۴۳؛ انبیا / ۷) آیه حصر رسالت الهی در مردان انس است نه زنانشان، هرچند به قله کمال رسیده باشند و نه از جنیان و ... که پیام آیه حصر رسالت است، در دو بعد مرد بودن و انسانیت. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۵ / ۲۳۰) برخی نیز برآند مراد از رجال، انسان است؛ به این معنی که رسولان از خود مردم بوده‌اند، نه از جنس ملائکه و در بین مردم زندگی می‌کردند. به‌عبارتی دیگر، رسولان از جنس بشر عادی بودند و تنها تفاوتشان این بود که به آنها وحی می‌شد. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۱۲۷؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۱۶۹؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۱: ۱۱ / ۲۷۹) البته «رجالاً» اقتضا می‌کند، خداوند در میان زنان، رسولی مبعوث نفرموده و این امری اجماعی است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۱۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۵ / ۳۷) برخی به نفی نبوت زنان، به‌عنوان یکی از اقوال اشاره کرده‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷ / ۳۸۶) گفتنی است نفی نبوت از زنان به‌معنای نفی فضائل از آنان نیست، بلکه زنان به مقام ولایت می‌رسند و ولایت بالاتر از نبوت و رسالت است؛ ولی چون نبوت و رسالت یک کار اجرایی است و مستلزم ارتباط با مردم است و در آن جریان صلح، جنگ، آموزش احکام و پاسخ به سؤالات مطرح است، لذا پیامبر باید مرد باشد. این مسئله چیزی از مقام زن نمی‌کاهد، زیرا ممکن است زن به مقام ولایت برسد و نسبت به بعضی از انبیا، از فضیلت بیشتری برخوردار گردد. پس اینکه هیچ زنی به مقام نبوت و رسالت نمی‌رسد، به این معنی است که هیچ زنی از لحاظ دریافت گزارش غیبی و رساندن آن به مقام مسئولیت اجرایی نمی‌رسد. پشتوانه نبوت و رسالت، ولایت است که در این جهت بین مرد و زن امتیازی نیست. اینکه هر پیامبری دارای ولایت است، ناظر به مقام معنوی نبوت عامه و اینکه هر پیامبری باید مرد باشد، مربوط به مقام اجرایی نبوت عامه است. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۶ / ۹۳)

ب) انبیا گروهی

در عهد عتیق به عده‌ای از انبیا اشاره شده است که با یکدیگر نبوت می‌کردند، در ابتدا این گروه، دو نفر بودند که با موسی و هارون شروع شد و بعد از آن تعدادشان به چهارصد، پانصد و حتی هفتصد نفر رسید. در عهد عتیق، اولین گروه از انبیا، موسی و هارون بودند که به نزد فرعون رفته و از او خواستند مردم مصر را رها کند. بعد از آن درمورد گروه انبیا در زمان اتمام دوران داوران و اوایل دوران پادشاهان، نخستین‌بار در کتاب سموئیل سخن به‌میان آمده است. آن زمان که سموئیل به شائول گفت: «به کوه خدا در جُبعه ... برو و وقتی که به شهر نزدیک شدی با عده‌ای از انبیا روبه‌رو خواهی شد که از کوه به زیر می‌آیند و با نغمه چنگ، دف و نی نبوت می‌کنند ...» (سفر ۱ سموئیل، باب ۱۰: ۱۰ - ۵) (Smith, 1986: 3 / 988-987)

این گروه از انبیا به رهبری سموئیل نبوت می‌کردند (سفر ۱ سموئیل، باب ۱۹: ۲۰) که به «پسران انبیا» شهرت داشتند و بعد از سموئیل تحت رهبری ایلیا و الیشع قرار گرفتند و با بت پرستی مبارزه می‌کردند. آنان اجتماع منظمی را دور هم جمع کرده بودند، ولی همه آنان شایسته این نبودند که وحی الهی را دریافت کنند؛ بلکه دریافت وحی اختصاص به افرادی داشت که خداوند آنان را انتخاب می‌کرد. (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۷۴)

انبیا گروهی، در گسترش و پیشرفت مذهب نقش داشتند. آنها آرمان‌های اشخاصی چون سموئیل، ایلیا و الیشع را در میان مردم منتشر می‌کردند، در مناجاتی که بیانگر خاطرات تاریخی است، با همراهی آلات موسیقی به ستایش خداوند می‌پرداختند. آنها روح پیامبری را ثبت کردند و بسیاری از منابع و نوشته‌های پیامبری را جمع‌آوری کرده‌اند. (König, 1981: 386-385)

ماهیت خلسه این گروه از انبیا به این نحو بود که خداوند به موسی فرمود: «هفتاد نفر از رهبران قوم اسرائیل را به حضور من بخوان. آنها را به خیمه عبادت بیاور، من نزول کرده، در آنجا با تو سخن خواهم گفت و از روحی که بر تو قرار دارد، گرفته به ایشان نیز خواهم داد، تا با تو متحمل بار این قوم شوند و تو تنها نباشی.» (سفر اعداد، باب ۱۱: ۱۷ - ۱۶) این روایت حقیقت پدیده خلسه دسته‌جمعی پیامبران را نشان می‌دهد. بعد از دستور خداوند، موسی طبق گفته خداوند عمل کرد، وقتی که روح بر ایشان قرار گرفت، برای مدتی نبوت کردند. (سفر اعداد، باب ۱۱: ۲۵ - ۲۴) (Paul & Sperling, 2007: 16 / 569)

در این حالت، آنان به اشخاص دیگری تبدیل می‌شدند و دیوانه‌وار رفتار می‌کردند. (Ibid) حالت خلسه ممکن بود به وسیله شیوه‌های خارجی ایجاد شود، مانند: موسیقی. آنها با سازهای مختلفی چون چنگ، دف و نی نبوت می‌کردند. (سفر ۱ سموئیل، باب ۱۰: ۵) به علاوه رقص به منظور ایجاد حالت خلسه در رابطه با پیامبران ذکر شده است، (سفر ۱ پادشاهان، باب ۱۸: ۲۶) البته ایجاد حالت خلسه به دست خداوند است که در آن الهام یا روح خداوند دخالت دارد. (König, 1981: 10 / 386)

گروه انبیا به طور دسته‌جمعی و به سرکردگی یکی از انبیا همچون سموئیل، ایلیا و الیشع زندگی می‌کردند، گاهی تعداد این انبیا افزون بر صد نفر می‌شد. آنها غالباً با یکدیگر غذا می‌خوردند و حتی الیشع که سرکرده آنان بود، برایشان غذا می‌پخت، (سفر ۲ پادشاهان، باب ۴: ۳۸) و با یاری یکدیگر خانه می‌ساختند. (سفر ۲ پادشاهان، باب ۶: ۱ - ۲) این انبیا در ابتدا، زیر نفوذ مذهبی و اجتماعی سموئیل در سنت اسرائیلی بودند و بعد تحت رهبری ایلیا و الیشع برای مبارزه علیه بت پرستی بسیج می‌شدند. در مدارس که سموئیل و ایلیا تأسیس کردند، تفسیر تورات، موسیقی و شعر تعلیم داده می‌شد. (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۷۴)

قرآن: در قرآن کریم به این شکل از انبیا گروهی سخن به میان نیامده است و تنها به نبوت هم‌زمان ابراهیم و لوط، موسی و هارون علیهم‌السلام اشاره شده است، با این تفاوت که هارون علیه‌السلام نبی و کمک‌کار حضرت موسی علیه‌السلام در امر هدایت بنی اسرائیل بود و بر قوم جداگانه‌ای مبعوث نشده بود، اما لوط علیه‌السلام رسول بود،

(صافات / ۱۳۳) و هدایت قومی را به‌عهده داشت (حج / ۴۳) که داستان او و قومش در چند سوره از قرآن آمده است. (اعراف / ۸۴ - ۸۰؛ هود / ۸۳ - ۶۹؛ انبیا / ۷۵ - ۷۱؛ شعراء / ۱۷۳ - ۱۶۰)

در قرآن به ایمان لوط به ابراهیم علیه السلام و مهاجرت وی به همراه ابراهیم علیه السلام اشاره شده است. (عنکبوت / ۲۶) وی از امت ابراهیم علیه السلام گردید (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۱۱۰) و از پیروان مکتب الهی وی بود، زیرا طبق وحی خاصی که از خداوند دریافت کرد، رسالت حضرت خلیل را پذیرفته، مروج مسلک او شد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۶ / ۳۸۱) وی در مهاجرت از سرزمین تبهکاران مهاجم، به منطقه پربرکت (فلسطین)، با حضرت ابراهیم علیه السلام همسفر بود. (انبیاء / ۷۱) مطابق قرآن فرشتگانی که مأمور عذاب قوم لوط علیهم السلام بودند، ابتدا به خدمت ابراهیم علیه السلام رسیدند و مأموریت خود را مبنی بر هلاک قوم لوط اعلام کردند. (هود / ۷۳ - ۷۰)

مطابق قرآن، زمانی که خداوند حضرت موسی علیه السلام را به پیامبری مبعوث نمود، (طه / ۱۳) از خداوند تقاضای وزارت برادرش هارون علیه السلام را نمود. (طه / ۳۲ - ۲۹) منظور موسی علیه السلام از مشارکت، شرکت در نبوت بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۶) و قطعاً مشارکت در تبلیغ دین و اداره امور، نجات بنی‌اسرائیل است. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۱۴ / ۱۴۷) خداوند دعای موسی علیه السلام را اجابت فرمود (مریم / ۵۳) و تعبیر نبی، حاکی از آن است که هارون علیه السلام مبلغ دین موسی علیه السلام بود. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۵۵)

ج) نبوت دروغین

در عهد عتیق علاوه بر نبوت حقیقی از نبوت دروغین به تفصیل سخن به‌میان آمده است. در کنار انبیای حقیقی، انبیا بعل و دروغین نیز بودند که از زمان پیدایش بت‌پرستی، به‌ویژه در دوران اشعیا و ارمیا پدید آمدند، (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۸۱) که مشخصه‌های آنان از این قرار است: برای پیامبری پول می‌گرفتند (سفر میکاه، باب ۳: ۱۱) و اگر کسی به آنان پول نمی‌داد، او را تهدید می‌کردند و تنها برای افرادی که به آنان پول می‌دادند، با صدای بلند سلامتی می‌طلبیدند، (همان: ۷ - ۵) دنبال بت بعل بودند، (سفر ارمیا، باب ۲۳: ۱۳) دارای طمع و تنها در پی فریب مردم به‌منظور تصاحب مال بودند. (همان: باب ۸: ۱۰) از منافع سلاطین حفاظت می‌کردند، (سفر اشعیا، باب ۳۰: ۱۱ - ۱۰)، زناکار و دائم‌الخمر بودند، (همان: ۲۸: ۷) بیدادگران را تقویت می‌کردند، (سفر ارمیا، باب ۲۳: ۱۴) فریبکار و شرور بودند. (همان: باب ۶: ۱۳) افراد شرور را تشویق کرده و باعث می‌شدند آنها از گناه توبه نکنند، (سفر حزقیال، باب ۱۳: ۲۳)، تنها دم از صلح و رفاه می‌زدند، (سفر ارمیا، باب ۲۳: ۱۷) غرق رؤیاهای کاذب خود، سحر و بطالت بودند و خیال می‌کردند، این اوهام و رؤیایها از جانب خداوند است، (همان: باب ۲۳، ۲۵، سفر حزقیال، باب ۱۳: ۶) درحالی که تاریکی شب، آنان را فرا گرفته تا دیگر رؤیا نبینند و پیشگویی نکنند. (سفر میکاه، باب ۳: ۶)

گاهی در یک زمان، انبیا فراوانی با آرا متفاوتی وجود داشت که عده‌ای در نبوتشان صادق بودند، ولی

عده‌ای با حدس و گمان سخن می‌گفتند تا دستمزدی بگیرند. (پرچم، ۱۳۸۲: ۲۱۶) با وانمود کردن به ارتباط با قوای مافوق بشری، پاسخ سؤالاتی را بیان می‌کردند و یا با نوای ساز و دف در عالم خلسه فرو می‌رفتند و پیشگویی می‌کردند. خواب‌هایی را که می‌دیدند به‌گونه‌ای بیان می‌کردند که گویی کلام خداوند است، کلام نبی راستین را می‌ربودند و وانمود می‌کردند که با خداوند ارتباط دارند. (Paul&Sperling, 2007: 16 / 576) از الهامات خود پیروی کرده و مدعی بودند که این الهامات از سوی خداوند است. (Leon-Dufour, 2004: 469) نبی دروغین نمی‌توانست لیاقت و راستی کلامش را ثابت کند. او قصد فریب افراد را داشت، مطابق میل مردم سخن می‌گوید، برخلاف واقع، آینده را خوب پیشگویی می‌کند. (Paul&Sperling, 2007: 16 / 577) همچنین، در عهد عتیق از نبیه دروغین نیز نام برده شده است. نجمیا از نوع‌دیه به عنوان نبیه دروغین یاد می‌کند و با وی مخالفت می‌ورزد. (سفر نجمیا، باب ۶: ۱۴)

یک. نهی از نبوت دروغین و مجازات آن

در عهد عتیق از توجه به انبیا دروغین نهی شده است. خداوند به مردم اسرائیل در این باره هشدار می‌دهد که «نگذارید انبیای دروغین و فال‌گیری که در میان شما هستند، شما را فریب دهند.» (سفر ارمیا، باب ۲۹: ۸) «رؤیاهای ایشان باطل است و پیشگویی‌هایشان دروغ. می‌گویند که پیغامشان از سوی خداوند است، درحالی‌که خداوند ایشان را نفرستاده است.» (سفر حزقیال، باب ۱۳: ۶) درحالی‌که «خداوند آنان را که به‌نام خدا پیام می‌آورند مجازات خواهد کرد، زیرا خداوند به آنان سخنی نگفته است. خداوند ایشان را در جنگ و قحطی هلاک خواهد کرد.» (سفر ارمیا، باب ۱۴: ۱۵)

راهی که می‌روند تاریک و لغزنده است؛ پس در زمان معین، بر آنها بلا نازل خواهد شد و مجازات خواهند شد. (سفر ارمیا، باب ۲۳: ۱۲ - ۱۱) آنان پیام‌های دروغین می‌دهند و کاهنان نیز بنا بر گفته ایشان عمل می‌کنند، اما بدانند که چیزی به ناپودی ایشان نمانده است. (همان، باب ۵: ۳۱)

نبی که جسارت کرده و به اسم خداوند سخن گفته است، خداوند از او متنفر است، (سفر تثویه، باب ۱۸: ۱۲) و قطعاً آن نبی به شمشیر یا قحطی نابود خواهد شد. (سفر ارمیا، باب ۱۴: ۱۵) سزای نبوت دروغین اسیری، تبعید و دفن در سرزمین بیگانه خواهد بود. (همان، باب ۲۰: ۶)

به این افراد به‌عنوان مجازات بعد از مرگ «زهر و خوراک تلخ خورنده خواهد شد، چون باعث شده‌اند که گناه، در سراسر سرزمین اورشلیم رواج یابد.» (همان، باب ۲۳: ۱۵) ایشان «به‌دلیل این رؤیاهای ساختگی و دروغ‌ها به‌سختی مجازات خواهند شد، و از میان رهبران اسرائیل ریشه‌کن خواهند شد. نام‌شان از دفتر خاندان اسرائیل پاک خواهد شد و هیچ‌یک از ایشان به سرزمین اسرائیل باز نخواهند گشت.» (سفر حزقیال، باب ۱۳: ۹ - ۸) «آنان به عار و رسوایی جاودانی دچار خواهند شد.» (سفر ارمیا، باب ۲۳: ۴۰)

دو. ملاک تشخیص نبی راستین از دروغین

برای تمییز نبی راستین از دروغین ملاک‌هایی وجود دارد که اگر فرد، واجد این ملاک‌ها باشد، نبی راستین است و اگر فاقدشان بود، نبی دروغین بوده و از سوی خداوند تعیین نشده است.

۱. تحقق و عدم تحقق پیشگویی‌ها

این ملاک از مهم‌ترین ملاک‌ها برای تشخیص نبی راستین از دروغین است. وقوع پیشگویی‌ها دلیل حقایق و عدم وقوع آنها، نشانه بطلان نبوت است، (سفر تثبیه، باب ۱۸: ۲۲ - ۲۱) به‌علاوه کیفیت دعوت نبی نیز، دارای اهمیت است و اینکه به چه چیزی دعوت می‌کند، به بت‌پرستی یا خداپرستی (سفر تثبیه، باب ۱۳: ۳ - ۱) که اگر به بت‌پرستی دعوت کند، تحقق این پیشگویی به‌منظور خدعه بوده است و اگر به خداپرستی دعوت کند، این پیشگویی از طرف خداوند بوده است؛ (پرچم، ۱۳۸۲: ۲۱۸) در واقع ماهیت پیام نبی است که راست‌گویی یا عدم صداقت او را روشن می‌کند. (Paul & Sperling, 2007: 16 / 576)

در یک زمان در مورد موضوعی چند نبی پیشگویی می‌کردند و هرگاه پیشگویی آنان محقق می‌شد، نشانه صداقت آنان بود، (Smith, 1986: 3 / 986) به‌عنوان مثال در زمان ارمیا، نبی دروغین به‌نام حَنَنیا می‌گفت: «خداوند می‌فرماید من یوغ بندگی پادشاه بابل را از گردن شما برمی‌دارم. بعد از دو سال تمام ظروف و اشیای گران‌بهای خانه خداوند را که نَبوکد نصر به بابل برده پس خواهیم آورد»، (سفر ارمیا، باب ۲۸: ۳ - ۲)، درحالی که ارمیا می‌گفت: «من بر گردن تمام این قوم‌ها یوغ آهنین گذاشته‌ام، تا نبوکد نصر را بندگی نمایند.» (همان: ۱۴) از این دو پیشگویی، سخن ارمیا محقق شد، ولی سخن حَنَنیا تحقق نیافت و بعد از دو ماه مرد.

۲. معجزه

نبی راستین صاحب معجزه است. خداوند از همان ابتدا که موسی را به نبوت انتخاب کرد، توانایی انجام معجزات را به او داد تا ملاکی برای صدق ادعای او باشد. (سفر خروج، باب ۴: ۵) ایلیا و الیشع نیز که از زمره انبیا راستین بودند، مکرراً معجزاتی را انجام می‌دادند. ایلیا با انجام معجزه، غذای بیوه‌زنی را که هیچ نداشت، زیاد کرد و پسر بیمار آن زن را که مرد، با انجام معجزه زنده کرد. (سفر ۱ پادشاهان، باب ۱۷: ۲۴ - ۱۳) معجزات انبیا راستین در سه دوره مهم انجام شده است: دوره تشکیل قوم، در زمان موسی و یوشع، (۱۴۰۰ ق. م.) دوره بحران ستیز با بت‌پرستی، در زمان ایلیا و الیشع (۸۵۰ ق. م.)، دوره اسارت که بت‌پرستی در آن حاکم بود در زمان دانیال نبی. (۶۰۰ ق. م.) (هلی، ۲۰۰۰: ۱۲۰)

۳. اخلاق، اعمال و عبادات

نبی راستین مطابق با شریعت الهی عمل می‌کند و سخنی ناسازگار با آن بر زبان نمی‌آورد، درحالی که انبیا دروغین اهل زنا، شرب خمر، ظلم و ... بودند. نبی راستین اهل عبادت بود و به عبادت در معبد مشغول بود، چون سموئیل که کلام خدا را در معبد شنید. (سفر ۱ سموئیل، باب ۳: ۱۴ - ۱) (Smith, 1986: 3 / 985)

۴. آزار دیدن نبی راستین

نبی راستین در امنیت و مصونیت نبود، بلکه همواره مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت، او را شکنجه کرده، به زندان می‌انداختند، چون میکایا که به زندان افکنده شد، چراکه شکست اسرائیل را پیشگویی کرده بود؛ (سفر ۱ پادشاهان، باب ۲۲: ۲۷) ارمیا را زدند و به مدت یک شب در کنار دروازه شهر در کُنده قرار دادند، (بنگرید به: سفر ارمیا، باب ۲۰: ۲) و یا در زمان سلطنت صدقیا او را زندانی کردند (همان، باب ۳۲: ۲) و بعد از بیرون آوردن از زندان، در سیاه‌چال انداختند. (همان: باب ۳۸: ۶) بعد از این همه شکنجه در نهایت قصد جان آنان را می‌کردند (سفر ۱ پادشاهان، باب ۱۹: ۱۰) و آنان را بی‌رحمانه می‌کشتند، (سفر ارمیا، باب ۲: ۳۰) (Paul&Sperling, 2007: 16 / 571)، درحالی‌که این انبیا همیشه شفیعیشان در نزد خدا بودند و از مجازات الهی آنان را نجات می‌دادند. (مطران، ۱۹۹۹: ۷۹۹)

۵. نوع پیام

نبی راستین همواره پیام الهی را بی‌کم و کاست انتقال می‌دهد (سفر ارمیا، باب ۲۶: ۲) که اگر این‌گونه عمل نکند خداوند او را مسبب گمراهی مردم می‌داند. (حزقیال، ۳: ۲۰ - ۱۷) خداوند کلام خود را همچون آتش در دهان او قرار می‌دهد، درحالی‌که نبی دروغین طبل توخالی است و کلام خداوند در دهان او نیست. (سفر ارمیا، باب ۵: ۱۴ - ۱۳)

خداوند پیام حق را به او می‌دهد تا به گوش مخاطب برساند، این پیام را یا از طریق گفتار و یا از طریق عمل به مخاطبان می‌رساند و در حضور جمع، کلام الهی را منتقل می‌کند، مانند ارمیا که همه مردم را در معبد مورد خطاب قرار داد و پیام الهی را منتقل کرد. (همان، باب ۷: ۲ - ۱) این پیام‌ها شامل انذار و تهدید، بشارت و تشویق و یا نقل قول از سایر کتب بود. (Smith, 1986: 3 / 998)

۶. تأیید یا عدم تأیید نبی دیگر

پیامبر حقیقی می‌تواند تعیین کند که چه کسی حقیقتاً از سوی خداوند آمده است؛ چراکه پیامبر واقعی دسترسی مستقیم به خداوند و فرشتگانش دارد و می‌تواند در مورد صدق ادعای فرد دیگر سخن بگوید. نبی حقیقی می‌تواند بگوید که پیامبر دروغین در حال سوءاستفاده از عهد الهی است. (Ibid: 985)

۷. اعطای حکمت به پیامبر راستین

انبیا بنی‌اسرائیل از حکمت برخوردار بودند، از جملات و عبارات حکیمانه استفاده می‌کردند، چون ارمیا و اشعیا که از جملات حکیمانه، تمثیلات، تشبیهات و ... بهره می‌بردند، سلاطین و مردم عادی هیچ‌یک به اندازه انبیا از حکمت برخوردار نبودند. (Ibid: 994)

سه. منشأ نبوت دروغین

عوامل پیدایش نبوت دروغین بت‌پرستی، ارتداد و دوری از شریعت موسی است.

۱. بت پرستی

در زبان عبری چندین معادل برای واژه بت وجود دارد، از جمله: «لایل»، «پسیل»، «صلیم»، «بعل»، «مولخ»^۵ «عشتاروت»^۶ که به معنای غالب، شکل تراشیده شده، تمثال است. (حییم، ۱۳۶۰: ۱۶ / ۴۳۴ و ۴۶۳) معادل انگلیسی آن «Idol» (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۱: ۱ / ۴۹۵) به معنای صورت و شکلی است که به عنوان اله و معبود مورد پرستش قرار می‌گیرد. (Webster, 1377: 628; Hamlyn, 1971: 787; Hornby, 2003: 643)

معادل عبری بت پرستی «عبودازارا»^۷ «عبودت الیلیم»^۸ و «لوهیم آخریم»^۹ است، به معنای پرستش آنچه باطل و دور از واقعیت است، پرستش خدایان دیگر (حییم، ۱۳۶۰: ۱۶ / ۳۸۰؛ اشمیدت، ۱۳۵۶: ۱۸۳)، که معادل انگلیسی آن «Idolatry» (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۱: ۱ / ۴۹۶؛ گواهی، ۱۳۷۴: ۹) به معنای عبادت و پرستش بت‌ها و اشکال به عنوان خدایان است. (Webster, 1377: 628; Hamlyn, 1971: 787; Hornby, 2003: 643)

یهودیان در آغاز پیدایش خود، بدویان بیابان گردی بودند که سنگ، چهارپا و ارواح را می‌پرستیدند. هرگز از پرستش گاو و گوسفند غافل نماندند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۱)

آنان همواره از اعتقادات ملل مجاور خود تبعیت می‌کردند، و طبق مصالح و منافع خود، از دینی به دین دیگر درمی‌آمدند. قوم یهود هنگامی که از مصر خارج شد و به سینا رسید و بازگشت موسی به طول انجامید، شروع به ساختن گوساله طلایی کرد و برای آن، قربان‌گاهی ساخت و به عبادتش پرداخت. قوم موسی مدام به ارتداد، و شرک به خدا متمایل بود. در دوران داوران، به پرستش بت بعل و عشتاروت روی آورد. بزرگ‌ترین اله‌ای که مورد پرستش آنها قرار گرفت، بت ایل بود. اکثر پادشاهان یهودا و اسرائیل بت پرست بودند و به شریک داشتن خداوند اعتقاد داشتند و به توسعه بت پرستی پرداختند. انبیا و کاهنان متعددی در اختیار این بت‌ها بودند و شعائر مخصوص به بت‌ها را به‌جا می‌آوردند. (فوزی، ۱۳۸۰: ۲۱۱ - ۲۱۰)

از دیگر علل پیدایش بت پرستی این است که از دوره ساخت معبد، کار پیامبری پرافتخار بود و پادشاهان مکرراً با پیامبران درمورد موضوعات مربوط به آینده مشورت می‌کردند. این مسئله فرصتی ایجاد کرد تا افراد مختلف با ارائه پیشگویی‌های مورد خواست پادشاهان، پیشرفت‌هایی به‌دست آورند. آنان از شکست دشمنان خبر می‌دادند و مردم را با قول‌هایی درمورد آینده بهتر تسکین می‌دادند. (Wiener, 1948: 8 / 664)

۱. אֱלִיל
۲. פֶּסֶל
۳. צֶלֶם
۴. בַּעַל
۵. מוֹלָךְ
۶. עֲשָׂתָרוֹת
۷. עֲבוֹדַת זָרָה
۸. עֲבוֹדַת אֱלִילִים
۹. אֱלֹהִים אֲחֵרִים

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

از عمده موارد ارتداد و روی گردانی از دین و یهوه، دسیسه‌های همسران خارجی پادشاهان یهودی و نفوذ آنان بود، (اپستاین، ۱۳۸۵: ۴۹) از جمله ایزابل همسر آخاب که بت بعل را می‌پرستید و پرستش آن را گسترش داده و در یزرعیل خانه‌ای برای انبیا دروغین بعل ساخته بود. همچنین دختر ایزابل عتلیا با یهورام پسر یهوشافاط ازدواج کرد، بر اثر نفوذ او، یهورام نه تنها از بعل پرستی استقبال کرد، بلکه تصمیم گرفت آن را به‌عنوان مذهب رسمی کشور تثبیت کند. (همان: ۵۶ - ۵۰)

از اصول اخلاقی و بنیادی که انبیا به آن اشاره کرده‌اند عدالت است، این اصل قانون اساسی جهان است، ولی در شرک و بت پرستی هیچ نوع عدالتی وجود ندارد. در چندخدایی، خدایان هر کدام حقوق خاص و فضایل ویژه خود را دارند. (همان: ۶۳) بت پرستی نه تنها توهین به خداست، بلکه طبع بلندپرواز و سرکش انسان را تقویت می‌کند، به این جهت بت پرستی و بندگی مادیات منشأ و مبنای تمام مفسداتی است که در انسان به ظهور می‌رسد. (ابان، ۱۳۵۸: ۶۸)

عهد عتیق نیز به‌عنوان دستورالعمل زندگی یهودیان به مخالفت با بت پرستی پرداخته است و آن را با پرستش یهوه در تضاد می‌داند. یهوه خدایی است که موجود قابل پرستش دیگری را در کنار خود نمی‌پذیرد و قوم او موظف است تنها در برابر او سر فرود آورد. (سفر لاویان، باب ۱۹: ۴) یهودیان باید مقام یهوه را از هر خدایی بالاتر قرار دهند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۵) خداوند پرستش انواع بت‌ها، مجسمه‌ها و اشکال مخلوقات را به قصد عبادت منع کرده است، (سفر خروج، باب ۲۰: ۵ - ۲: ۳۴: ۱۳) بت‌ها به اشکال مختلف چون ستاره، ارواح، انسان و حیوان از طلا، نقره، برنج، آهن، سنگ، چوب و ... ساخته می‌شدند. (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۶۴)

در عهد عتیق برای بت پرستی مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شده است: اصلی‌ترین مجازات آن اعدام و سنگ‌سار کردن است. (سفر لاویان، باب ۲۰: ۵ - ۱: سفر تثبیه، باب ۱۷: ۷ - ۲) از بزرگ‌ترین مجازاتی که خداوند برای بت پرستی بنی اسرائیل در نظر گرفت، اسارت بابل بود. (سفر زکریا، باب ۷: ۱۴ - ۱۳) (Peters, 2003: 1 / 24)

۲. فقدان شریعت

از دیگر عوامل پیدایش نبوت دروغین، فقدان شریعت بود. حدود ۲۰ سال شریعت موسی (تورات) گم شده بود و این امر موجب گمراهی مردم شد، آنان از احکام فاصله گرفته و به بت پرستی روی آوردند، تا آنکه در زمان یوشیا (پادشاه یهودا) تورات پیدا شد و یوشیا که پادشاهی معتقد بود، آن را خواند و بسیار ناراحت شد. از آن پس، یوشیا تمام آثار بت پرستی را محو کرد، (سفر ۲ پادشاهان، باب ۲۳ - ۲۲: ۲۵ - ۱) اما بعد از او پادشاهان یهودا دوباره نسبت به خداوند گناه ورزیدند. (فهیم کرمانی، ۱۳۷۱: ۷)

قرآن: قرآن به بیان سیره و شرح زندگی انبیا راستین پرداخته است و از متنبیان ذکری به‌میان نیآورده است. در فرهنگ وحی، افترا بر خداوند از سنگین‌ترین ستم‌ها محسوب می‌شود. از دیدگاه قرآن ستمکارترین

مردم افترازندگان بر خدایند. (انعام / ۲۱، ۹۳ و ۱۴۴؛ اعراف / ۳۳؛ یونس / ۱۷؛ هود / ۱۸؛ کهف / ۱۵؛ عنکبوت / ۶۸؛ صف / ۷) بی‌شک ادعای نبوت یکی از مصادیق بارز افترا بر خداست. (انعام / ۹۳) در این آیه به سه ظلم افترا بر خدا، ادعای نبوت و ادعای فرود آوردن کتابی مثل قرآن اشاره شده است. برخی افترا بر خداوند در آیه را نیز ادعای نبوت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۱۹) و برخی با توجه به سیاق، آن را اثبات شریک برای خدا دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۷ / ۴۵) قرآن حرام شمردن حلال‌ها از سوی مشرکان و یهود را به صورت مکرر افترا بر خدا نامیده است. (آل عمران / ۹۴؛ مائده / ۱۰۳؛ انعام / ۱۳۸، ۱۴۰ و ۱۴۴؛ یونس / ۵۵؛ نحل / ۱۱۶) قرآن شرک را نیز افترا بر خدا می‌داند. (نساء / ۴۸؛ انعام / ۲۴)

کیفر این مفتریان، خواری در دنیا (اعراف / ۱۵۲) و رستگار نشدن در آخرت است. (یونس / ۱۷ و ۶۹) از آنجا که قرآن کتاب شریعت و معجزه نبوت است، مشرکان ادعا می‌کردند که پیامبر آن را به دروغ، به خداوند نسبت داده است، اما قرآن هم‌اوردجویی می‌کند و آنان را به آوردن مثل قرآن فرا می‌خواند. (یونس / ۳۸؛ هود / ۱۱) درحقیقت بیان می‌کند قرآن چون مثل ندارد، قابل افترا نیست، (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲ / ۴۲) اما همانند این مطلب در عهد عتیق نیامده است.

نتیجه

پس از بررسی نبوت در عهد عتیق در موضوع آموزه‌های خاص آن در مقایسه با قرآن به نتایجی چند می‌توان رهنمون شد:

۱. نبوت از امور حائز اهمیت در قرآن و عهد عتیق است که اوصاف انبیا، مراتب آنان، وحی و حالات انبیا به‌هنگام دریافت وحی، از مشترکات در هر دو کتاب است.
۲. نبوت در عهد عتیق به معنای پیشگویی و خبر دادن از آینده است که این پیشگویی، از طریق وحی الهی به نبی راستین القا می‌شود. در عهد عتیق نبوت از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در قرآن مطرح نیست:
 - الف) در کنار نبوت مردان، سخن از نبوت زنان (نبیه) مطرح است که تعداد آنان ۷ نفر است.
 - ب) سخن از نبوت گروهی عده‌ای از انبیا به‌میان آمده است که تعدادشان تا هفتصد نفر نیز ذکر شده است که با یکدیگر نبوت می‌کردند، دچار خلسه گروهی می‌شدند و به‌شکل گروهی زندگی می‌کردند.
 - ج) علاوه بر نبوت راستین، از نبوت دروغین و انبیا بعل سخن به‌میان آمده است که قصد آنان سودجویی و انحراف سایرین بوده است، که خداوند قصد آنان را افشا کرده و راه‌های تشخیصی همچون تحقق و عدم تحقق پیشگویی‌ها، معجزه، تأیید نبی دیگر، پیام، اخلاق و عبادت نبی برای شناخت نبی راستین از دروغین ذکر شده است و از نبوت دروغین به‌شدت نهی شده و برای این عمل شریانه مجازات‌های سنگینی چون اعدام و سنگسار کردن در نظر گرفته شده است.

هرچند توراتی که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده، مشتمل بر نور و هدایت است، (مائده / ۲۴) اما قرآن ویژگی‌هایی دارد که تورات فاقد آن است: قرآن معجزه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است، آخرین کتاب آسمانی و پاسخ‌گوی همه عصرها و مهیمن بر سایر کتب آسمانی است، (مائده / ۴۸) تحریف نشده و خداوند حفظ آن را به عهده گرفته است. (حجر / ۹) از این رو مطالب مطرح شده در آن نیز مهیمن تورات است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، شامل عهد عتیق و عهد جدید.
۲. آریان پور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۱، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
۳. اشمیدت، شلمو، ۱۳۵۶، *واژه‌های فرهنگ یهود*، ترجمه منشه امیر، بی‌جا، انجمن جوامع یهودی - بنیاد یادبود فرهنگ یهود.
۴. ابان، ابا، ۱۳۵۸، *قوم من تاریخ بنی اسرائیل*، تهران، کتابفروشی یهودا یروخیم و پسران.
۵. اپستاین، ایزیدور، ۱۳۸۵، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چ ۱.
۶. پرچم، اعظم، ۱۳۸۲، *بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین*، اصفهان، کنکاش، چ ۱.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ ۱.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۱.
۹. حامدی، گلناز، ۱۳۸۴، *فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان*، تهران، انتشارات مدحت.
۱۰. حمیم، سلیمان، ۱۳۶۰، *فرهنگ عبری - فارسی*، تهران، انجمن کلیمیان تهران، چ ۲.
۱۱. دوران، ویل، ۱۳۶۷، *تاریخ تمدن «مشرق زمین: گاهواره تمدن»*، ترجمه احمد آرام، ع. پاشائی و امیرحسین آریان پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۲.
۱۲. رامیار، محمود، ۱۳۵۲، *بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۳. زروانی، مجتبی و ابراهیم موسی‌پور، ۱۳۸۴، «نبوت در دین‌های یهود و مسیحیت»، *دو فصلنامه اسلام‌پژوهی*، ش ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ص ۵۰ - ۲۱.
۱۴. فهیم کرمانی، مرتضی، ۱۳۷۱، *زن و پیام‌آوری*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱.

۱۵. فوزی محمد، حمید، ۱۳۸۰، *حقایق و اباطیل در تاریخ بنی اسرائیل*، ترجمه قیس زعفرانی، تهران، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، چ ۱.
۱۶. گواهی، عبدالرحیم، ۱۳۷۴، *واژه‌نامه ادیان (فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *راه و راهنماشناسی*، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، چ ۱.
۱۹. هلی، هنری، ۲۰۰۰ م.، *راهنمای کتاب مقدس*، ترجمه جسیکا باباخانیان و ... زیر نظر سارو خاچیکی، نیدرلند، بی‌نا، چ ۱.

ب) عربی

۲۰. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، محقق علی عبدالباری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط. ۱.
۲۱. ابن احمد، عبدالجبار، ۱۳۸۴ ق، *شرح الاصول الخمسه*، حقه و قدم له عبدالکریم عثمان، قاهره، مکتبه وهبه، ط. ۱.
۲۲. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۳۴۵ ق، *جمهره اللغة*، بیروت، دارصادر، ط. ۱.
۲۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاريخ، ط. ۱.
۲۴. ابن کمونه، عزالدوله، ۱۳۸۳، *تنقیح الابحاث للملل الثلاث*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ط. ۱.
۲۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۲۶ ق، *لسان العرب*، مراجعه و تدقیق یوسف البقاعی و ...، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط. ۱.
۲۶. رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محقق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، محقق محمد عبدالرحمن رعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط. ۱.
۲۸. حقی بروسوی، اسماعیل، بی‌تا، *روح البیان*، بیروت، دارالفکر.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۲، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تعلیق جعفر سبحانی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ط. ۲.

۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق صفوان عدنان داوودی، دمشق - بیروت، دارالقلم - الدار الشامیه، ط. ۱.
۳۱. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۷ ق، *الهیات علی هدی کتاب و الشریعه و العقل*، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ط. ۴.
۳۲. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۸ ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، المكتبة العصریه.
۳۳. سیوری، مقداد بن عبدالله، الباب الحادی عشر للعلامه الحلی، محقق: مهدی محقق، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۲.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۱ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، صححه و اشرف علی طباعه حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط. ۱.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، محقق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ج ۳.
۳۷. عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دارالقرآن الکریم.
۳۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۹. مطران، نیافه و آنطونیوس نجیب، ۱۹۹۹ م، *معجم اللاموت الکتابی*، بیروت، دارالمشرق، ط. ۴.

ج لاتین

40. Ellwood, Robert s, 1998, *The Encyclopedia Of World Religions*, Facts & File, Inc., New York.
41. Hamlyn, Paul, 1971 *Hamlyn Encyclopedic World Dictionary*, London. New York. Sydney. Toronto, Patrick Hanks.
42. Heaton, E.W.,1973, "prophets" In *Encyclopedia International*, Edward, Humphrey (ed.), GrolierIncorporated, New York.
43. Hornby,A.S.,2003, *Oxford Advanced Learner's Dictionary Of Current English*, Fifth edition, juanghal, Tehran.
44. Ince, Richard & M.A. Camb, 2007, *A Dictionary Of Religion & Religions Including Theological & Ecclesiastical Terms*, Cosmo Publications, New Delhi.
45. Konig, E.,1981, "Prophecy (Hebrew)" In *Encyclopaedia Of Religion Ethics* , James, Hastings(ed.), Edinburh, T.&T.Clark.
46. Leon- Dufour, Xavier, 2004, *Dictionary of Biblical Theology*, Second Edition, London. New York, Burns & Oates.
47. O.,N.J., 1986, "Prophetess", In *The International Standard BibleEncyclopedia* , Geoffrey, W.Bromiley (ed.), Willam B.Eerdmans Publishing Company, GrandRapids, MICHigan.

48. Paul, , Shalom m.& Sperling, S.David, 2007, "Prophets & Prophecy" In *Encyclopaedia Judaica*, Fred, Skolnik (ed.), Encyclopaedia Judaica, second edition, USA, Thomson Gale (Macmillan Reference USA).
49. Peters, F.E., 2003, *The Monotheists Jews, Christians & Muslims In Conflict & Competition*, Princeton University press, NewYork.
50. Schade, Johannes P., 2006, *Encyclopedia Of World Religions*, Franklin park, Concord Publishing. Foreign Media Books.
51. Smith, G.V., 1986, "Prophecy False" in *The International Standard Bible Encyclopedia*, Geoffrey (ed).
52. Webster, Merriam , 1377, *Webster's New Collegiate Dictionary*, fourth edition, mahtab, Tehran.
53. Wiener, Max,1948, "Prophets & Prophecy" In *The Universal Jewish Encyclopedia*, Isaac, Landman (ed.), The Universal Jewish Encyclopedia Co., New York.
54. Wigoder , Geoffrey, 2002, *The New Encyclopedia Of Judaism*, new york, University Press.
55. Wilson, Robert, 1993, "Biblical Prophecy" In *The Encyclopedia Of Religion*, Mircea, Eliade (ed.), Macmillan Library, New York.





پښتو ښکته علمون انسانی و مطالعات فریښتی
پرتال جامع علمون انسانی